روزنامه طلوع

تاریخ
۱۴
آذر
۱۳۹۸
پنجشنبه

صفحه
۶
شماره
۲۶۷۴
سال
بیست و پنجم

ادبی و هنری

پرهام کریمی

دیگ کوچولوی خوشحال

در یک خانه بزرگ دیگ کوچولویی زندگی می‌کرد. وقتی داخلش غذا درست می‌کردند خیلی خوشحال می‌شد با اجاق دوست بود تا موقعی که غذا آماده می‌شد با هم حرف می‌زدند. روزی صاحبخانه یک قابلمه جدید خرید و دیگ را داخل انباری گذاشت. او که خیلی ناراحت شده بود؛ خودش را پر از آشغال می‌کرد و هر کسی داخل انباری می‌آمد آنها را به طرفشان پرتاپ می‌کرد. گربه جیغ می‌زد، موش دمش را تکان می‌داد و سروصدا می‌کرد. او به یک دیگ بداخلاق تبدیل شده بود. روزها گذشت... هیچ‌کس تحمل او را نداشت تا اینکه دوباره صاحبخانه به انباری آمد و دیگ کوچولو را به آشپزخانه برد و تمیز کرد و غذاهای خوشمزه داخلش پخت. دوباره او یک دیگ خوشحال شد.

آبشار پر سروصدا

عرشیا کریمی

در وسط جنگلی بزرگ آبشار زیبایی بود که دورتادورش را گل‌های زیبای وحشی پوشانده بودند و درختی سرسبز در بالای آن قرار داشت. دو پرنده کوچک روی درخت نشسته بودند و به سنجاقک، حلزون و زنبور نگاه می‌کردند. آنها هر روز روی گل‌ها می‌نشستند و با هم‌صحبت می‌کردند. زنبور شهد گل‌ها را جمع‌آوری می‌کرد. سنجاقک روی آب بال می‌زد و شته‌ها را می‌خورد. حلزون از ساقه گل‌ها بالا می‌رفت. ناگهان دو پرنده بزرگ به آبشار نزدیک شدند داخل آب نشستند پاهای دراز آنها هنوز از آب بیرون بود. زنبور گفت: چه پاهای درازی دارن؟ حلزون که خسته به بالای گل رسیده بود نفس‌نفس‌زنان گفت: منقارشون کجه. آنها با تعجب نگاه می‌کردند. سنجاقک نزدیکشان رفت اما ترسید و برگشت. حلزون و زنبور به او خندیدند. سنجاقک گفت: آخه خیلی بزرگن؛ اینا دیگه چه پرنده‌ای هستن؟! ما رو نخورن... پرنده‌هایی که روی درخت نشسته بودند؛ حرف‌های آنها را شنیدند و گفتند: این دو پرنده فلامینگو هستن بهتون آزار نمیرسونن.
فلامینگوها که سرگرم خوردن غذا بودن سرشان را از آب بیرون آوردند به اطرافشان نگاه کردند. سنجاقک و دوستانش را دیدند. با قدم‌های بلند کنار آنها رفتند و گفتند: سلام دوستان! ما از راه دوری آمدیم از این آبشار خوشمون آمده جای خوبی برای زندگی هست. حلزون گفت: خیلی خوبه دوستای جدید پیدا کردیم.
آنها هر روز کنار آبشار جمع می‌شدند؛ دوستان خوبی شدند و سالیان زیاد با هم زندگی کردند.

نگین علی‌نژاد

ماه کامل

شبی که ماه کامل شد...
برو زیر نور درخشان اقیانوس شب بنشین...
همونی که انرژی‌های بد رو ازت میگیره و به جاش الهام یک زندگی خوب رو بهت میبخشه
همونی که نور امیدش رو در رگ‌های تنت جاری می‌کنه و راه رو پیش رویت روشن میداره
و به ستارگانش دستور میده تا همه جمع بشن و برای تو جشن بگیرند...
بهش نگاه کن! باهاش حرف بزن!
ای ماه تابان! آنقدر زیبایی که حتی نگین‌های اطرافت از زیبایی‌ات کم نمی کنن و باعث میشن بیشتر به چشم بیای.
تنهای‌ات را می‌فهمم...
ولی آنقدر قوی هستی که از پس این تنهایی بر میای و نور وجودت غرور و زیبایی خاصی دارد
ممنونم که بهم یاد دادی به تنهایی هم میشه یه فرد شایسته بود
خوشگل شهرم! همیشه در اقیانوس شبت، زنده باقی بمان...

رادین یوسفی

ستاره دریایی

در قسمتی از اقیانوس، ستاره‌های دریایی زندگی می‌کردن یک روز ستاره دریایی کوچولو از پدر و مادرش جدا شد و رفت بازی کنه که ناگهان یه جانور گوشتخوار دریایی به او نزدیک شد و یکی از بازوهای ستاره کوچولو را کند و خورد. ستاره کوچولو که خیلی ترسیده بود گریه‌کنان به خونشون رفت. وقتی به خونه رسید، پدر و مادرش ازش سؤال کردن که چرا گریه می‌کنی؟ ستاره کوچولو گفت: یه جانور بزرگ که اسمش هم نمیدونم بازوی منو کند و خورد... من دیگه بازو ندارم و دوباره گریه کرد. پدر و مادر ستاره کوچولو کلی خندیدن و بهش گفتن: نگران نباش عزیزم! ما قدرت این رو داریم که دوباره یک بازوی جدید در بیاریم و ستاره کوچولو وقتی شنید خیلی خوشحال شد و دیگه گریه نکرد.

علیرضا امینی

پشمالوی شکمو

گربه کوچولو همین طور که خاک باغچه را چنگ می‌زد و دنبال غذا بود ناگهان چشمش به یک کرم افتاد که داشت برای خودش بازی می‌کرد. کرم متوجه شد که گربه گرسنه است و می‌خواهد کرم را بخورد. کرم پا به فرار گذاشت و رفت. همین طور که می‌رفت ناگهان گربه به او چنگ زد و او را سه قسمت کرد. کرم کمی مکث کرد و گربه خوشحال شد از اینکه بالاخره یک غذای خوشمزه پیداکرده. گربه شروع به خوردن یک‌تکه کرم کرد وقتی تمام شد تا خواست برود تکه دومی و سومی را بخورد ناگهان دید آن دوتکه کرم حرکت می‌کنند. گربه شگفت‌زده شد و با تعجب به کرم‌ها نگاه کرد. کرم‌ها به‌سرعت از دست گربه فرار کردند و به یک جای امن رفتند و با همدیگر دوست شدند و شروع به بازی کردند و دیگر گربه آنها را پیدا نکرد.

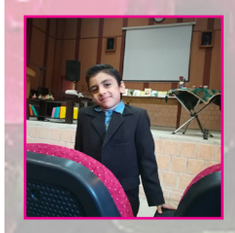

سورن شمس

مارمولک ناقلا

علی خیلی از مارمولک بدش می‌آمد. یک روز که به حیاط خانه‌شان رفت تا بازی کند روی دیوار یک مارمولک دید. علی یک دمپایی برداشت و به سراغ مارمولک رفت و یواش‌یواش به او نزدیک شد و دمپایی را محکم به مارمولک زد. مارمولک بر روی زمین افتاد و دمش کنده شد. علی خوشحال شد و رفت تا بازی کند. فردای آن روز وقتی علی به حیاط رفت تا بازی کند با تعجب باز هم مارمولک را دید و متوجه شد که او نمرده و دوباره دارد دم درمی‌آورد. وقتی علی به مادرش موضوع را گفت مادرش با خنده به او گفت: مارمولکه گولت زده؛ اون برای دفاع از خودش، دمش رو می‌کنه تا ما خیال کنیم مرده و بعد که خیالش راحت شد که ما دیگه کاری بهش نداریم میره دنبال زندگیش و برای خودش یه دم جدید می‌سازه. علی متوجه کلک مارمولک ناقلا شد و این دفعه با دمپایی آنقدر توی سر مارمولک زد تا کشته شد.

ترانه رضایی

ننه عنکبوت

ننه بندی تند و تندروی تار راه می‌رفت. در هر رفت‌وبرگشت کمی صبر می‌کرد و با پاهایش به تارها فشار می‌آورد. انگار شک داشت محکم باشد. دختر ننه بندی در گوشه‌ای از تار به مادر زل زده بود و نگران به نظر می‌رسید. بااحتیاط به مادرش گفت: آخر ننه‌جان! من که از خود شما تار تنیدن را یاد گرفته‌ام؛ همه خاندان ما نسل‌اندرنسل همین‌جوری که من تار می‌تنم، تار می‌تنند. محال است اشتباه کنم...
ننه بندی گفت: عزیزم! درست است که تو تار تنیدن را از من آموخته‌ای و خاندان ما تار می‌تنند اما کار از محکم‌کاری عیب نمی‌کند.
ممکن است در تنیدن تار درجایی اشتباهی صورت گرفته باشد و من بتوانم آن اشتباه را پیدا کنم تا در آینده که خود نیز بزرگ شدی دیگر دچار اشتباه نشوی. ما با تار تنیدن که همان خانه‌مان است نه‌تنها خود را از خطرات محیط‌زیست ایمن می‌کنیم بلکه راه شکار کردن و تهیه غذایمان نیز از این راه است.
زندگی فرازوفرودهایی دارد که تو باید همه را بیاموزی و با یکبار انجام دادن یک کار نمی‌توان گفت که کاملاً به آن کار احاطه پیداکرده‌ای یا مسلط شده‌ای.
نه‌تنها تار تنیدن بلکه در تمام مراحل زندگی آموزش‌های زندگی‌ات را باید بارها تکرار کنی تا یاد بگیری و بر آن کار مسلط شوی. سعی کن همیشه تکراری تمرین کنی. دختر ننه بندی گفت: چشم ننه‌جان! چقدر شما حرف‌ها و پندهای خوبی به من دادید. سپاسگزارم و به راه رفتن روی تار ادامه داد.

نیایش محمدی

عنکبوت و گوسفندان عمو رحیم

در آغل گوسفندان عمو رحیم عنکبوت کوچولویی زندگی می‌کرد. او همیشه مشغول بافتن تار بود و با آن پشه‌ها را شکار می‌کرد و می‌خورد تا گوسفندان را اذیت نکنند؛ اما گوسفندان این موضوع را نمی‌دانستند که عنکبوت کوچولو چقدر به آنها دارد کمک می‌کند. آنها همیشه به عنکبوت کوچولو می‌گفتند: اینجا خونه ماست؛ چرا نمیری یه جای دیگه زندگی کنی؟ عنکبوت کوچولو از حرف گوسفندان ناراحت می‌شد اما چیزی نمی‌گفت چون به آنجا عادت کرده بود. تا اینکه یک روز بدن گوسفندی که از همه کوچکتر بود و اسمش فسقلی بود پر از کک شد. عنکبوت رفت داخل پشم‌های بدن فسقلی و کک‌ها را به مهمانی دعوت کرد. شب که شد همه کک‌ها به خانه بزرگ عنکبوت که با تار درست شده بود رفتند. عنکبوت از آنها خیلی پذیرایی کرد. وقتی مهمانی تمام شد کک‌ها می‌خواستند به پشم‌های بدن فسقلی برگردند اما دیدند که دست‌وپایشان در تارهای عنکبوت گیرکرده. عنکبوت همه کک‌ها را خورد و فسقلی را از دست آنها نجات داد. گوسفندان وقتی دیدند که عنکبوت به آنها کمک کرده خیلی خوشحال شدند و به او گفتند: تو میتونی برای همیشه اینجا پیش ما بمونی.

کلاس چهارم دبستان غیردولتی مهر وطن ناحیه یک شیراز

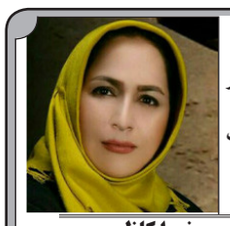

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمائید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: **صفورا کاظمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۳۰۷۴ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای سلیمان سلیمانی فرزند اسماعیل به شماره شناسنامه ۱۸۳ و شماره ملی ۴۷۲۳۴۱۳۵۶۱ صادره از کویت در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۶/۱۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۶۴ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی یاسمن و آرزو و آذر و آزاده و مژگان شهرتین بهادر قنواتی احراز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرضحال ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۸/۳۷۰ م الف تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۸/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۹/۱۴ ۳۲۰۷۰

رئیس ثبت بهبهان-کاظمی

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت رحیمی طب مهر جنوب شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۸۰۸۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۲۲۴۲۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۸تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - به موضوع شرکت موارد ذیل الحاق یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی اعم از لوازم آرایشی و بهداشتی و دارویی و تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی و بیمارستانی و تغذیه سالم _ پخش دارو _ برگزاری نمایشگاه ، سمینار ، کارگاه و شرکت در نمایشگاهها و همایش های داخلی و خارجی _ ترخیص کالا از گمرکات کشور _ حق العمل کاری _ تاسیس و تجهیزات کارخانه داروسازی _شرکت در مناقصات و مزایدات جمیعا با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور. شناسه آگهی: ۶۸۵۷۹۳ ۳۲۲۰۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۳۰۷۶ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای سیاوش امینی فرزند حبیب به شماره شناسنامه ۳۷۵۶ و شماره ملی ۱۸۶۱۶۶۴۶۲۱ صادره از بهبهان در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۷/۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۶۴ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی یاسمن و آرزو و آذر و آزاده و مژگان شهرتین بهادر قنواتی احراز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرضحال ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۸/۳۶۹ م الف

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۸/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۹/۱۴ ۳۲۰۶۹

رئیس ثبت بهبهان-کاظمی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۶۰۰۱۸۸۹ قانون تعیین تکلیف مستقر در ثبت ناحیه ۴ شیراز ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۷۸/۲۱ متر مربع به پلاک شماره ۵۷۳ فرعی از ۹۲۶ اصلی بخش ۳ شیراز در ملکیت بهزاد زارع استقرار یافته و تحدید حدود پلاک های فوق تاکنون به عمل نیامده است اینک بنا به درخواست مالک مذکور و ماده قانونی باید تحدید حدود اختصاصی به عمل آید لذا تحدید حدود روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ تعیین و عملیات تحدید حدود از ساعت ۸ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد. اینک بوسیله این آگهی ازمتقاضی مزبور و کلیه صاحبان املاک مجاور بر طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می شود که در روز مقرر در محل حضور به هم رسانند ضمنا واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوقی ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا سی روز پذیرفته خواهد شد.

تاریخ انتشار:۱۳۹۸/۰۹/۱۴
۳۲۱۸۴/۱۹۱۶۴۷ ۹۴۳۱/ م الف

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز، از طرف مهدی خرم دل

آگهی فقدان سند مالکیت بخش ۴ شیراز

آقای محمد رحیم رادشیرازی با تسلیم دوبرگ استشهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۵۵ شیراز تنظیم گردیده است مدعی که تعداد۱برگ جلد سند مالکیت مربوط به ششدانگ پلاک ۹/۱۵۰ واقع در بخش چهار شیراز که ذیل ثبت ۴۹۴۶۵۱ صفحه ۱۹۴ دفتر ۱۶۸۹ املاک به نام ایشان ثبت و سند مالکیت بشماره چاپی ۵۴۸۴۹۵ب ۹۰صادر ودررهن نیست به علت سهل انگاری مفقود گردیده است و نامبرده تقاضای صدور سند المثنی نموده است مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین نامه قانون ثبت آگهی می شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسیده و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

تاریخ انتشار: ۹۸/۰۹/۱۴ ۹۴۳۶/م الف ۳۲۲۰۳/۱۹۱۶۵۳

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز
از طرف امیر هوشنگ دهقان، ناحیه ۱

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت پی چهل منار پاسارگاد شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۸۷۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۷۲۷۸۰۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۵تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - آقایان علی طلعت رو۳۵۲۰۶۰۸۸۸۱ – قاسم زارع۲۲۹۷۶۱۵۱۵۹ – مجید آریا منش۴۶۹۹۸۲۰۶۴۶ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت ۲ سال به سمت اعضای هیات مدیره انتخاب شدند. - خانم فرح افراشی نیا۳۵۴۹۷۱۱۳۴۴ به سمت بازرس اصلی و آقای داریوش افشاریان نژاد ۳۵۲۰۶۰۱۵۵۹به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. شناسه آگهی: ۶۸۵۷۹۲ ۳۲۲۰۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شیراز

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت سیر صنعت مهر آریا شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۳۷۳۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۷۱۷۸۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۹تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - آدرس شرکت از محل قبلی در شیراز به آدرس جدید : فارس - شهرستان شیراز - بخش مرکزی - دهستان قره باغ - روستا شهرک صنعتی بزرگ شیراز-شهرک صنعتی شیرازفاز۱-بلوار صنعت-پلاک ۰-طبقه همکف کدپستی۷۱۵۸۱۹۴۸۵۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

شناسه آگهی: ۶۸۵۷۹۱ ۳۲۲۰۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری شیراز